یادداشت: بازار در انتظار رونق مجدد

 بازار تهران و بسیاری از شهرهای دیگر کشورمان، در انتظار رونق بسر میبرند.در حال حاضر چند عامل سبب‏ پائین آمدن دادوستد در بازار شده است.تابستان و همزمانی آن با تعطیلات در اروپا همواره تأثیر عظیمی روی‏ فعالیتهای صادراتی و وارداتی میگذارد و یک رکورد فصلی‏ در بازرگانی خارجی پدید می‏آورد.در ماههای محرم و صفر بسیاری از مردم کشورهای از خریدهای غیر ضروری‏ خودداری میکنند و ترجیح میدهند خریدهای خود را حوالی‏ ایام جشن و شادمانی مذهبی انجام دهند.از سوی دیگر سیاست صبر و انتظار در مورد نرخ ارز باز هم در بین افرادی‏ از بازرگانان احتیاط پیشه دیده میشود.حالا دیگر انتظار برای واردکنندگان به امید پائین‏تر آمدن نرخ دلار و برای‏ صادرکنندگان به امید افزایش قیمت دلار است.اینک‏ میتوان گفت قیمت دلار در بازار آزاد یا قاچاق و در سیستم‏ بانکی بهم نزدیک شده و عملا سیاست بانک مرکزی در زمینه انجام همهء امور ارزی از طریق سیستم بانکی- اگرچه بسیار دیر اتخاذ شد-ولی با موفقیت روبرو گردید. لیکن این امر را نباید بمعنی پذیرش و صحیح تلقی نمودن‏ صددرصد امور اقتصادی و بازرگانی دانست.میدانیم ارز و قیمت آن یک وسیلهء دادوستد است.باید به حجم‏ دادوستدها و گردش معقول کالا در بازار-خاصه بازارهای‏ صادراتی توجه کنیم.فقط بعنوان مثال میگوئیم که اخیرا اتاق ارومیه نوشته بود که 4000 تن سبزه از سال قبل‏ نافروش مانده و با دلاری 300 تومان صادرکنندگان قادر به‏ فروش آن در بازارهای خارجی نیستند و خواستارند که‏ قیمت ارز بالا رود.بازرگانان واردکننده و تولیدکنندگان‏ داخلی علاوه بر اینکه در انتظار کاهش قیمت ارز هستند،از روند تشریفات دست و پاگیر و عدم تصمیم‏گیری قاطع و بموقع بانکها شکایت دارند.پاره‏ای از کارخانه‏ها هر پیش‏ آمدی را بهانهء تعطیل چند روزهء کارخانه قرار میدهند زیرا از کمبود مواد اولیه و واسطه و قطعات و لوازم یدکی رنج میبرند و نگرانند که ناچار به تعطیلات طولانی کشیده شوند.

می‏بینیم که این مشکلات بنیادی نیست و میتوان حالا که مکانیسم ارز وارد مسیر صحیحی شده است با کمی‏ صیقل دادن نظام اداری و تحرک و سرعت بخشیدن به‏ کارها از طریق زدودن تشریفات زائد و احیانا از میان‏ برداشتن پاره‏ای زوایای دست و پاگیر مقررات،ضمن حفظ اصول،صنعت و تجارت را وارد مسیر درست درست آن نمود. البته هرگز آرزو نمی‏کنیم به روزهائی برگردیم که تمام‏ فعالیتهای کشور و همهء برنامه‏ریزیها با هدف افزایش‏ هرچه بیشتر واردات-آنهم واردات بی‏بندوبار و حساب‏ نشده همراه با اتلاف سرمایه‏های ملی صورت میگرفت. باید آن عصر را که برخی‏ها عصر رونق اقتصادی‏ مینامیدند عصر خالی کردن تکیه‏گاههای صنایع ملی‏ و وابستگی هرچه بیشتر به فرآورده‏های خارجی دانست.از دورانی سخن میگوئیم که افزایش ناگهانی قیمت نفت به‏ چهار برابر،کلاهبرداران و شیادان را فوری فعال ساخت تا به‏ غارت منابع ملی تحت عنوان واردات برای رشد و توسعهء اقتصادی رو آوردند.توسعه واردات بصورت محور تمام‏ فعالیتهای کشور درآمده بود.میخریدند و بی‏مصرف رها میکردند و"پورسانت‏"خود را که گاه تا 25 درصد قیمت خرید میرسید(و البته کارخانه این مبلغ را بر روی قیمت جنس‏ می‏کشید)دریافت می‏داشتند.نتیجه آنکه صنایع-که از آغاز هم با تکیه بر تکنولوژی خارجی و واردات بنا شده بود- بجای آنکه بطور مداوم بر تکیه‏گاههای ملی خود و استفاده‏ از نیرو و امکانات داخلی بیفزاید،بیش از پیش به واردات‏ متکی گشت تا آنجا که تعمیرکاران ما-تقریبا در همهء زمینه‏ها-دست به تعمیر هیچ قطعه‏ای نمیزدند و فورا آنرا تعویض میکردند و باصطلاح بجای تعمیر کار تعویض‏ کار شده بودند.جالب آنکه در یک مقطع زمانی نه چندان‏ طولانی،که تا شروع اعتصابات منجر به انقلاب اسلامی‏ کشورمان طول کشید،حدود 12000000 نفر کارگر خارجی‏ در کشورمان کار میکردند(از کارگران بنادر گرفته تا کلفت‏ خانه‏های آدمهای بسیار معمولی-اعیان و اشراف!که جای‏ خود داشتند)کارفرمایان به ارجاع کار به این افراد رغبتی‏ بیشتر از ایرانیان نشان میدادند زیرا هم حقوق کمتری به‏ آنها میدادند،هم از آنها بهره‏کشی بیشتر میکردند و هم‏ حق بیمه اجتماعی بابت آنها پرداخت نمیکردند.در همان‏ حال بیکاری پنهان در جامعه شدت میگرفت.

بهر صورت،هیچ آدم علاقمند به پیشرف کشورش‏ علاقمند به آنگونه پیشرفت ظاهری وابستگی‏آفرین‏ نیست.در عین حال رکود را هم نمیتوان و نباید پذیرفت. اقتصاد کشور در حد توان خود،با تکیه بر نیروی انسانی‏ و منابع ملی باید به جریان متعادل و مطلوب خود ادامه دهد. کشورهائی که درآمد و منابعی بسیار کمتر از ما دارند،گاه‏ با نظمی منطقی به پیشرفت ادامه میدهند.ما در این راه نه‏ طالب و نیازمند معجزه‏ای هستیم و نه میخواهیم فراتر از توان بلند مدت خود،پیشرفتهای شگرف و خیره‏کننده،اما نامطمئن و مقطعی،بدست آوریم.اصولا برنامه‏های چند سالهء ملی برای همین طرح میشود که از همهء امکانات به‏ نحو مطلوب،همسو و فراگیر،استفاده شود تا رشد اقتصادی‏ مطمئنی،بر کنار از مخاطرات اقتصادی و اجتماعی تحصیل‏ گردد.در این راه رونق تجارت و دادوستد داخلی و خارجی- آنهم با نرخ منطقی و مطلوب-نقش اساسی دارد زیرا که‏ در این صورت است که نیازهای اساسی وارداتی-و نه‏ تشریفاتی و لوکس-باید تأمین شود در خدمت به صنایع‏ کشور بکار گرفته شود و متقابلا با کار بیشتر و صرفه‏جوئی‏ افزونتر،مازادی از تولید بر جای بماند که قابل صدور باشد.